

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۳۷-۶۰
مقاله علمی پژوهشی

بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه متروپولیتن

شهدخت رحیم‌پور*

چکیده

ابریشم‌بافته‌های کاشان بخشی از هویت کهن دست‌بافته‌های نفیس ایران است. اوج رونق این محصولات به دوره صفوی و تحت حمایت دربار و توسعه کارگاه‌های پارچه‌بافی و فرش‌بافی بازمی‌گردد. کاشان با تمدن کهن سیلک، حضور هنرمندان نساج، و موقعیت جغرافیایی آن، به‌عنوان گذرگاه تبادلات تجاری نقش مهمی در تهیه منسوجات ایران دارد. توانایی بافندگان کاشان در پارچه‌بافی و تولید قالی‌های ظریف ابریشمی در دوره‌های متعدد، سبب گردید که بافته‌های بومی این منطقه به‌عنوان بخشی از میراث ملموس فرهنگ و هنر این دیار شناخته شوند. در بررسی پارچه‌های ابریشمی مؤسسه هنر شیکاگو و گنجینه عظیم بافته‌های ایران در موزه متروپولیتن، دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان به‌وفور یافت می‌شود. این مسئله که محصولات جایگزین ارزان‌قیمت و گران‌قیمت بودن تأمین مواد اولیه برای بافت منسوجات ابریشمی سبب رکود فرهنگ سنتی ابریشم‌بافی شد، شناسایی روش‌های بافت و نمونه پارچه‌های تولیدشده، بستری برای بازخوانی اهمیت دانش بومی بافته‌ها خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بررسی ویژگی‌های پارچه‌های ابریشمی کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و قالی و پارچه‌های ابریشمی موزه متروپولیتن انجام شده است. داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و دیجیتالی جمع‌آوری گردید و روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش مشتمل بر ۲۴ نمونه منسوج ابریشمی کاشان است. نتایج نشان می‌دهد در بافت پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو، ترکیب ابریشم با زر و سیم کاربرد دارد و نقوش واگیره‌های متأثر از عناصر طبیعی است. منسوجات ابریشمی موزه متروپولیتن شامل قالی و پارچه است. مساحت قالی‌ها تا ۶ متر مربع و با نقوش گرفت‌وگیر و لچک و ترنج متعلق به دوره صفوی بوده‌اند. نگاره‌های پارچه‌ها به اشکال انسانی، حیوانی و گیاهی و با نخ‌های ابریشمی رنگین بافته شده‌اند. تنوع نقوش و روش‌های بافت پارچه قابل ملاحظه است و می‌تواند الگویی در تداوم حیات دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان باشد.

کلیدواژه‌ها: پارچه‌های ابریشمی و زربافت، قالی، مؤسسه هنر شیکاگو، موزه متروپولیتن.

* مری گروه فرش، دانشگاه اراک، اراک، ایران / araku.ac.ir/rahimpoor@S-rahimpoor

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

۱. مقدمه

سنت کهن بافندگی در کاشان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید منسوجات از یافته‌های باستان‌شناسی در این شهر آغاز می‌شود. سردوک‌های گلی و سنگی کشف‌شده از سیلک توسط گریشمن، و بازخوانی نقش بافته‌ها بر سفال‌های مکشوفه از این شهر، از دامنه دانش تولید منسوجات در این منطقه حکایت دارد. همچنین واقع شدن کاشان بر گذرگاه راه ابریشم، این شهر را به یکی از مراکز کهن تبادل فرهنگ و تجارت کالا تبدیل نمود.

در فرهنگ ایرانی، سنت ابریشم‌بافی به دوره هخامنشی بازمی‌گردد و در دیگر دوره‌های پس‌از آن، بافته‌های ابریشمی به‌عنوان کالایی مصرفی و تجاری نقش مهمی در اقتصاد داشته است. وضعیت اقلیم کاشان و مواجهه با کم‌آبی در این منطقه سبب گردید تا به‌جای کشاورزی، صنایع و حرف کوچک انواع بافته‌ها رونق یابد و تجربه و دانش بومی منجر به تولیدات ممتازی گردید که بخشی از فرهنگ، هنر و هویت را در خود نهفته دارد. اوج ابریشم‌بافته‌های کاشان متعلق به دوره صفوی است. در این عصر شاهان صفوی به ابریشم و منسوجات ابریشمی توجه ویژه داشتند. تولید ابریشم و ایجاد اشتغال سبب رونق اقتصادی در داخل کشور شد. شمار زیادی تولیدکننده و فروشنده، در کارگاه‌های بافندگی شهرهای مختلف با محصولات گوناگون ابریشمی به فعالیت مشغول بودند. «شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸) صنایع بافندگی را به اوج رساند و سازمان ابریشم‌بافی کشور را شخصاً زیر نظر گرفت» (مک‌داول، ۱۳۷۴: ۱۵۹-۱۶۶). در آغاز این دوره، تبریز، کاشان، یزد، اصفهان، قزوین، شیراز، کرمان و شهرهای خراسان از مراکز بافندگی بودند و در این شهرها حریرهای زربفت، پارچه‌های ابریشمی، مخمل و منسوجات خاص دوره صفوی چون پارچه‌های جناغی باف نخ، اطلس، ابریشمینه‌های گل‌برجسته، زری و مخمل تولید می‌شد (گرانوفسکی، ۱۳۹۰: ۲۷۳؛ مک‌داول، ۱۳۷۴، ۱۵۹).

پس از دوره صفوی، روند نزولی تولیدات ابریشمی سرعت یافت که پیامد آن کاهش رونق و فراموشی بسیاری از روش‌های تولید پارچه‌های ابریشمی بود. «با سقوط صفویان نادرشاه در گیلان از پذیرش ابریشم کشاورزان امتناع ورزید و در ازای مالیات از مردم پول نقد گرفت» (فلور، ۱۳۶۸: ۷۹). در منطقه گیلان به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تهیه ابریشم اکثر املاک و مستغلات از حیز ارتفاع و آبادانی افتاده بود (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۰۶). صنعت ابریشم که نقش مهمی در رونق اقتصادی و تجارت دوره صفویه بود، دچار افول شد. حکومت زندیه همانند دوره صفوی دارای اقتدار نبود که به توسعه حرفه‌های بومی پرداخته شود. روند نزولی صنایع بومی در دوره قاجار با صادرات ابریشم

خام، سبب تعطیلی کسب‌وکار هنرمندان نساج و صنایع دستی شد و هنرمندان به‌صورت کارگران روزمزد درآمدند. «ورود پارچه‌های نخ‌ی اروپایی در اواسط سده سیزدهم که بهای بسیار ارزانی داشتند، صنایع بافندگی شهری ایران را با خطر جدی کاهش تولید روبه‌رو کرد» (جنسن، ۱۳۶۹: ۵۹). تعطیلی کارخانه‌های ریسمان‌ریسی تهران، و معدوم شدن شعربافی‌ها و نساجی‌های کاشان و اصفهان و یزد و کرمان و خراسان و بوشهر، از اثر تعرفه گمرکی بود که با ریسمان و پارچه‌های ابریشمی و پشمی و نخ‌ی روسیه، که عمدتاً ارزان‌تر، به این مملکت وارد می‌شد نتوانستند رقابت کنند، بلکه مقاومت نمایند و به تعطیل و فنا محکوم شدند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۸۲). پس از آن به‌دلیل عدم مدیریت و برنامه‌ریزی در کسب‌وکارهای مبتنی بر تولیدات ابریشمی بسیاری از سنت‌های بافندگی رو به فراموشی نهادند. هرچند در کاشان شعربافی همچنان ادامه دارد، در مقایسه با ظرفیت توانمندی هنرمندان نساج به‌طور کلی کاهش و یا منجر به رکود بسیاری از روش‌های تولید منسوجات ابریشمی شد. از این‌رو مطالعه پیشینه و فرهنگ دست‌بافته‌ها در نمونه‌های موزه‌ای تلاشی در راستای حفظ دانش فرهنگی بافته‌های رو به فراموشی است.

از دوره صفویه «نمونه‌هایی از بافته‌ها را می‌توان در موزه‌های جهان و مجموعه‌های خصوصی از قبیل موزه متروپولیتن، هنرهای زیبای بوستون، ویکتوریا و آلبرت و لیون یافت» (توسلی، ۱۳۸۷: ۸۸). در مؤسسه هنر شیکاگو مجموعه اهدایی پارچه‌های ابریشمی و ابریشم زری‌باف وجود دارد که قریب به نیمی از پارچه‌های ایرانی ابریشم‌بافته‌هایی از کاشان است. در موزه متروپولیتن نیز دست‌بافته‌های ابریشمی به‌صورت قالی و پارچه متعلق به کاشان وجود دارد که قابل توجه است. از این‌رو، این پژوهش با هدف شناسایی و بررسی ویژگی‌های بافته‌های ابریشمی کاشان نمونه‌های مورد نظر را از سایت مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن دریافت نموده و با مطالعه این مستندات سعی در پاسخ‌گویی دو پرسش دارد: ۱. ویژگی‌های نقوش منسوجات ابریشمی کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن کدام‌اند؟ ۲. ویژگی‌های ساختاری منسوجات ابریشمی متعلق به مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن چیست؟ این پژوهش یک مطالعه کتابخانه‌ای است که به‌صورت توصیفی به تحلیل و بررسی درباره پرسش‌های مطرح‌شده در ارتباط با منسوجات ابریشمی کاشان انجام شده است. جامعه آماری شامل ۲۴ نمونه بافته ابریشمی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در این بخش، درباره بافته‌های ابریشمی و پژوهش‌های موزه‌ای به مطالعات یافت‌شده اشاره می‌گردد. حمیدی منش و جعفری دهکردی (۱۳۹۹) در مقاله «نقش شهریاران صفوی در پیشرفت



صنعت پارچه‌های ابریشمین ایران» به علاقه‌مندی پادشاهان صفوی به پارچه‌بافی اشاره دارند و رشد این صنعت را متأثر از زمینه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند. طالب‌پور (۱۳۹۷) در مقاله «پارچه‌بافی در عصر صفوی: از منظر تاریخی»، مهم‌ترین خصوصیات هنری این دوره را تشکیل کانون‌های هنری تحت حمایت دربار و ارتباط تنگاتنگ رشته‌های هنری به‌ویژه، پارچه‌بافی با نقاشی می‌داند. چیت‌سازیان (۱۳۸۸) در کتاب فرس کاشان به معرفی جغرافیای کاشان، فرهنگ و پیشینه تولید منسوجات با تأکید بر قالی‌بافی و نقش اقتصادی فرس در کاشان به طور کلی، به معرفی قالی کاشان در دوره‌های متعدد پرداخته است. دادرسی و خسروی (۱۳۹۴) در مقاله «طبقه‌بندی فرمی قالی‌های ایرانی دوره صفوی در موزه متروپولیتن» دریافته‌اند که بیشترین مواد اولیه استفاده‌شده به ترتیب، پشم، پنبه، ابریشم و گلابتون است و نقشه اسلیمی بیشتر از بقیه نقشه‌ها مورد استقبال جامعه فرس بوده است. استرکی و نیازی (۱۳۹۱) در مقاله «شعربافی در کاشان (تحلیلی بر فرایند تاریخی، فعالیت‌ها، مراحل و دست‌بافته‌های شعربافی)»، به بررسی مراحل تولید این بافته ابریشمی در کاشان پرداخته است.

مطالعات انجام‌شده به اهمیت ابریشم به‌عنوان کالایی تجاری، و تولید منسوجات ابریشمی پرداخته است. اهمیت موضوع ابریشم و ابریشم‌بافته‌ها به‌عنوان فضایی در ایجاد اشتغال و نیز درآمدزای برای دولت‌های متعدد مورد توجه بوده است. این پژوهش به بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان (پارچه و قالی) در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن دقت نظر دارد.

۲. ابریشم‌بافی در ایران

ایرانیان در دوره هخامنشیان با نخ و پارچه‌های ابریشمی به‌لحاظ تجارت با سرزمین‌های دیگر آشنا بوده‌اند (ذکاء، ۱۳۴۲: ۹). منابع یونانی از قالی‌های زربفت ایران یاد کرده‌اند (ای وولف، ۱۳۷۲: ۱۹۲). از دوره اشکانی، قطعه پارچه نمدی ابریشمی کشف‌شده از شهر قومن حدود نیمه اول قرن اول قبل از میلاد در موزه متروپولیتن وجود دارد. ابن‌اثیر در شرح فرس بهارستان محصول دوره ساسانی آورده است: «زمینه آن زربافت بود... برگ‌ها از ابریشم بودند» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۴). لباس شاهان ساسانی زربفت و ابریشمین بوده است.

در متون دوره اسلامی، به ادامه کاربست ابریشم‌های خسروانی در دربار و مناطق تولید و فراوری ابریشم اشاره شده است. «بافت پارچه‌های ابریشمی در شوش و شوشتر و کرباس‌بافی در خراسان و بخارا، طرازبافی در فارس، پارچه ابریشم دورو (دو پودی) یا منیر در ری و بافت پارچه ابریشم با تکنیک معروف به "رنگ و نیم‌رنگ" رایج بوده است» (روح‌فر، ۱۳۹۴: ۲۳-۴۰). ابریشم‌بافی



و بافت پارچه زری که به تعبیر طالب‌پور بر روی دستگاه ژاکارد امروزه انجام می‌شود، در دوره سلجوقی وجود داشته است و بر روی دستگاه تولید می‌شدند. در دوره ایلخانی کارگاه‌های معتبر پارچه‌بافی به همت رشیدالدین فضل‌الله در تبریز دایر شد و انواع پارچه‌های زربفت و مخمل بافته می‌شد. در طبرستان انواع پارچه‌های پشمی و ابریشمی تهیه می‌شد. یزد به بافت نوعی پارچه زیبای ابریشمی معروف به یزدی معروفیت داشت. به‌طور کلی، پارچه‌های ابریشم، ساده و یا منقوش (حریر)، زربفت، قلمکار و پارچه‌های دوخته‌دوزی شده با الیاف زر و سیم و ابریشم، و پارچه مخمل رونق داشت.

سنت بافت ابریشمینه‌های دوره تیموری به دوره صفوی منتقل گردید و رونق تولید منسوجات در این عصر به تولید انواع پارچه‌های زری، قلمکار و مخمل انجامید. به تعبیر شاردن «فراوانی محصول ابریشم سبب افزایش مهارت ایرانیان در صنعت ابریشم شده و دستگاه‌های ریسندگی و بافندگی که صنعتگران ایرانی ابداع کرده‌اند، همانند ابزار اروپائیان است» (شاردن، ۱۳۵۰: ۳۷۰-۳۸۰). از ابریشم، محصولات بسیار متنوعی چون انواع پارچه‌های زربفت و سیم‌بافت، البسه و قالی تهیه می‌کردند. در دوره صفوی بافت پارچه‌های ابریشمی به دوره طلایی خود رسیده و کارخانه‌های ایران، بهترین گونه‌های دیبا و مخملی را تولید می‌کرده‌اند که با رشته‌های ابریشمی رنگ به رنگ بافته و گاهی با رشته‌های نقره نیز تزئین می‌شدند (محمدحسن، ۱۳۶۶: ۲۴۲). مخمل، پارچه‌ای مورد پسند درباریان صفوی بود که طرح‌های زیبای آن و نقوش انسان و گیاهان، به‌طور برجسته بر زمینه اطلس طلایی نقش می‌شد و صحنه‌های روزمره نیز راه خود را به طرح‌های تزئینی پارچه‌ها باز کرد (فریه، ۱۳۷۴: ۱۵۹-۱۶۹).

ارمنیان به صدور ابریشم از راه‌های آسیای صغیر و خاک عثمانی به اروپا، و درعین حال، از راه‌های دریایی نیز هم با کشتی‌هایی که خود داشتند و هم با کرایه کردن کشتی از کمپانی‌های انگلیسی و هلندی، ابریشم و سایر کالاهای ایرانی را به شرق و غرب در جهان صادر می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۹). پارچه‌های ایرانی در بازارهای اروپا و به‌ویژه اروپای شرقی خواهان بسیاری داشت. این پارچه‌ها در بازارهای روسیه به نام قماش قزلباش شناخته شده بودند که برگرفته از نام یکی از قبایل عهد صفوی است (اسکارچیا، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۳۰).

در دوره افشاریه به‌واسطه مالیات‌های گزاف نادرشاه و استخدام نیروهای تولیدی برای سپاه، مشاغل تولیدی افول نمود. تجار به‌واسطه اخاذی‌های نادر مهاجرت کردند یا سرمایه خود را از دست دادند (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). جلفایی‌ها ناچار بودند برای پرداختن هشت هزار تومان

مالیات به آزادخان افغان حتی مندیل‌ها پارچه‌های زربفت را بسوزانند تا طلا و نقره آن‌ها را استحصال نمایند (ترهوهانیان، ۱۳۷۹، ۲۱۸ و ۲۱۷). آرامش نسبی دوره زندیه سبب شد تا علاوه بر یزد، ابریشم‌بافی در کاشان رونق یابد. «یکی از کسب‌وکارهای یهودیان کاشان، تهیه، فرآوری و تجارت ابریشم بود. یهودیان در کاشان کارگاه ابریشم‌کشی داشتند که در دوره افشار فعالیتشان از رونق افتاده بود. در دوره زند، هدایت‌خان گیلانی والی مناطق شمالی، بسیاری از یهودیان و هندی‌ها را در امور تجاری از جمله ابریشم وارد کرد و آن‌ها را مورد حمایت قرار داد» (فلاحیان و ادقانی و حیدری، ۱۳۹۸: ۱۷۸ به نقل از گیلان‌نامه: ۱).

در دوره قاجاریه «احیای صنعت ابریشم، بافته‌های مجللی را برای دربار به ارمغان آورد که ناظران خارجی را به شدت تحت تأثیر شکوه پوشاک سلطنتی و مردان قرار می‌داد» (دیبا، ۱۳۹۱: ۲۱۶). اما نظارت نمایندگان انگلیس و روسیه، اقتصاد ایران را متکی به بازاری مصرفی نمود. به‌جای زربفت‌های ایرانی پارچه چیت منجستری باب شد و انقراض هنر بافندگی بعد از دوره افشار دوباره رو به اوج نهاد. این روند منجر به کاهش منابع درآمدی حاصل از ابریشم‌بافی و مشاغل جایگزین بود که در قرن بعد نیز ادامه یافت و سبب نزول بافته‌های سنتی شد.

۳. ابریشم‌بافی کاشان

بر اساس مستندات تاریخی، کاشان در دوره صفوی یکی از مهم‌ترین مراکز بافت منسوجات بوده است. از سفارشات ابریشمین پادشاه لهستان تا تکه‌بافته‌هایی که تا به امروز در موزه‌های جهان باقی است، حکایت از تداوم دانش تولید منسوجات و آگاهی عمیق این مردمان دارد. «در زمان شاه‌عباس اول، کاشان نیز مرکز بافت و تجارت پارچه‌های متنوع شد. اکثر سفرنامه‌های این دوران، از شهر کاشان، از مراکز مهم بافت پارچه‌های درباری و فاخر از جمله مخمل یاد کرده‌اند» (Spuhler, 1978: 161) پادشاه لهستان در سال ۱۶۰۱م، بازرگان معروف ارمنی سفر موراتوویتز را برای مذاکره و برقراری روابط بازرگانی با ایران در مورد تجارت ابریشم، انجام دادن برخی کارهای مخفیانه سیاسی، ارزیابی توان نظامی، امکان اتحاد بین ایران و لهستان و خرید فرش‌های زیبای ایرانی به دربار صفوی فرستاد. او به کاشان رفت تا سفارش‌های فرش ابریشم زربافت، چادر، سنگ‌های گران‌بها، شمشیر و... پادشاه لهستان را تهیه کند. برخی از این فرش‌ها جزء جهیزیه دختر پادشاه لهستان بودند (رکنی و یاشکوفسکی، ۱۳۹۳: ۸۰).

علاوه بر بافت قالی ابریشمی رونق دستگاه‌های بافندگی پارچه در کاشان سبب تولیدات شاخص ابریشمینی شد، که گاه الگویی برای پارچه‌بافی سایر مناطق بوده است. «شاه‌عباس علاوه بر



بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه متروپولیتن، شهیدخت رحیم‌پور

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

کارگاه‌های مخمل‌بافی در یزد و کاشان، در اصفهان نیز کارگاه‌های مخمل‌بافی تأسیس و استادان ماهری را به آنجا دعوت کردند» (روح‌فر، ۱۳۸۴: ۴۵). دقیق‌ترین دستگاه‌های بافندگی پارچه ابریشمی در یزد، کاشان و اصفهان قرار داشت (دیماند، ۱۳۶۵: ۲۷۸). استادکاران این هنر به دو بخش تقسیم می‌شدند: استادان بافنده و نقش‌پردازان بر روی پارچه. پارچه‌های عصر صفوی دارای نام بافنده است که نشان از ارزش‌گذاری بر فعالیت هنرمندان دارد.

به تعبیر شاردن، «اساس ثروت و حیات مردم کاشان از صنایع نساجی و ابریشم‌بافی و تهیه قطعات زربفت و نقره‌بافت، تشکیل شده است. در هیچ‌یک از شهرهای ایران، مصنوعات و منسوجات مخمل و حریر و تافته و ابریشم و قطعات زربفت و سیم‌بفت و زری‌های ساده و گل دار ابریشمی بیشتر از کاشان و حومه آن تهیه نمی‌گردد» (شاردن، ۱۳۷۵: ۸۰). محصولات کاشان با الیاف ابریشمی شامل مخمل‌بافی، مخمل زری، شعربافی تا به امروز به‌ندرت در این شهر بافته می‌شوند.

۴. منسوجات ابریشمی کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو

از ۵۱ نمونه منسوج (فرش و پارچه) متعلق به مناطق متعدد ایران در دوره اسلامی در این مؤسسه تعداد ۱۲ قطعه پارچه ابریشمی و یا زری وجود دارد که با نام کاشان شناخته شده است. این قطعات باقی‌مانده که به مؤسسه اهدا شده‌اند، در بخش هنر اسلامی و در بخش منسوجات مؤسسه هنر شیکاگو نگهداری می‌شوند. این پارچه‌ها شامل نوارهای باریکی از ابریشم و زری و نیز قطعه ابریشم‌بافته‌هایی است که به‌صورت تکه پارچه نگهداری می‌شوند. در جدول ۱ مشخصات دست‌بافته‌های ابریشمی مؤسسه هنر شیکاگو قرار داده شده است. تصویر (۱۳-۱) نمونه‌هایی از منسوجات را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مشخصات پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو (نگارنده)

ردیف	شماره اثر در موزه	ابعاد (سانتی‌متر)	نوع بافت	تاریخ بافت
۱	۱۹۳۱.۴۱۹	۵۳.۴×۸.۳	ابریشم زری‌دوزی	۱۷۰۱-۱۸۰۰
۲	۱۹۳۰.۸۶۰	۴.۵×۲۵.۵	پارچه مرکب ساده، زمینه ابریشم سفیدنقش با ابریشم و نقره	۱۷۰۱-۱۸۰۰
۳	۱۹۲۶.۱۱۰۳	۲۳.۲×۳.۱	بافت جناغی، نقش برجسته	۱۷۰۱-۱۸۰۰
۴	۱۹۳۰.۸۶۵	۴.۲×۱۹	پارچه مرکب ساده و برجسته، ابریشم و طلا روی زمینه ابریشم زرد، و نقره روی ابریشم سفید	۱۸۰۰-۱۶۰۱

ردیف	شماره اثر در موزه	ابعاد (سانتی‌متر)	نوع بافت	تاریخ بافت
۵	۱۹۳۰.۸۵۷	۶×۱۴	پارچه مرکب ساده، ابریشم و طلا در نوارهای فلزی باریک	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۶	۱۹۳۰.۸۲۲	۲۳۸×۲۲.۹	ابریشم با نوار طلا	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۷	۱۹۳۰.۸۳۵		ابریشم برجسته	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۸	۱۹۲۶.۴۰۶	۴۲×۵۸.۵	بافت ابریشم، ساتن با تارهای دوگانه و پودهای خودنقش	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۹	۱۹۳۰.۸۴۹	۳۶.۶×۴۸	طرح رز سراسری	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۱۰	۱۹۲۶.۴۰۸	۳۶×۴۸.۳	ابریشم برجسته	۱۷۲۵-۱۶۷۵
۱۱	۱۹۳۰.۸۲۱	۱۸.۴×۲۲.۹	ابریشم با نخ‌های زری	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۱۲	۱۹۲۶.۴۱۰	۲۴.۱×۵۷.۳	ابریشم، بافت جناغی	۱۷۰۰-۱۶۰۱
۱۳	۱۹۳۰.۸۲۹	۱۵×۱۸.۱	ابریشم جناغی بافت با نخ‌های طلا و نقره	۱۸۰۰-۱۷۰۱

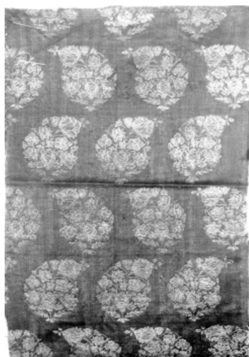


به ترتیب از راست؛ تصویر ۱: ش ۱۹۳۱.۴۱۹؛ تصویر ۲: ش ۱۹۳۰.۸۶۰؛ تصویر ۳: ش ۱۹۲۶.۱۱۰۳

تصویر ۴: ش ۱۹۳۰.۸۶۵؛ تصویر ۵: ۱۹۳۰.۸۵۷a



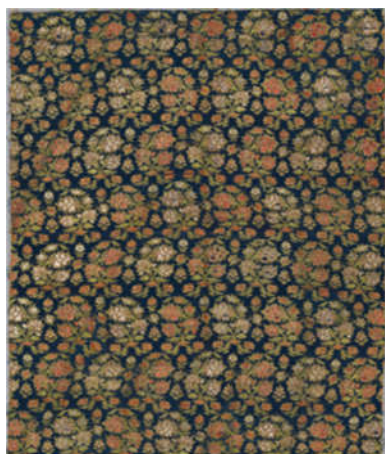
تصویر ۸: ش ۱۹۲۶.۴۱۰



تصویر ۷: ش ۱۹۳۰.۸۳۵



تصویر ۶: ش ۱۹۳۰.۸۲۲



تصویر ۱۰: ش ۱۹۳۰.۸۴۹



تصویر ۹: ش ۱۹۲۶.۴۰۶



تصویر ۱۲: ش ۱۹۳۰.۸۲۱



تصویر ۱۱: ش ۱۹۲۶.۴۰۸



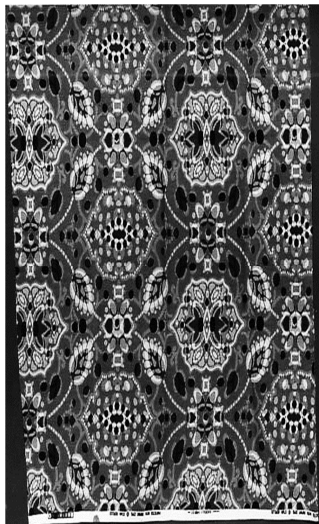
تصویر ۱۳: ش ۸۲۹-۱۹۳۰

۵. منسوجات ابریشمی کاشان در موزه متروپولیتن

در موزه متروپولیتن نیویورک که گنجینه دست‌بافته‌های ایرانی است، منسوجات کاشان در این موزه شامل قالی و تعدادی پارچه است. تسلط فنی بافندگان و تصویرگری کتاب و تذهیب به عنوان منبع الگوی نقوش در محصولات کارگاه‌های دربار صفوی در بافت پارچه بر روی متن ابریشمی با کاربرد فلزات طلا و نقره و در قالی‌های این عصر با کاربرد ابریشم برای تاروپود و پرز (تمام ابریشم) و یا با تار و پرز ابریشمی و پود پنبه‌ای در محصولات کاشان مرسوم بوده است. در جدول ۳ به معرفی منسوجات موزه متروپولیتن پرداخته شده و نمونه بافته‌های ابریشمی در تصویر (۱۴-۲۲) قابل مشاهده است.

جدول ۳: مشخصات منسوجات موزه متروپولیتن (نگارنده)

ردیف	شماره اثر در موزه	ابعاد (سانتی‌متر)	نوع بافت	تاریخ بافت
۱	۱۹۷۲.۲۶	۳۳.۹×۵۴.۵	مخمل زربفت	نیمه دوم قرن ۱۶
۲	۵۸.۴۶	۱۷۱×۲۴۹	ابریشم (تار و پود و پرز) و گره نامتقارن	قرن ۱۶
۳	۳۸.۱۶۷	۱۷۹.۱×۸۸.۹	پرچم زربفت، بافت اسماعیل کاشانی	۱۶۹۵/۱۱۰۷-
۴	۶۹.۹۷.۶	۱۴۴.۸×۱۰۶.۷	ابریشم و پنبه	۱۹۶۷-۶۹
۵	۱۰.۱۶۶	۱۳۷.۲×۷۳.۷	ابریشم با پود زری و برجسته	قرن ۱۷
۶	۱۴.۴۰.۷۲۱	۲۴۱×۱۷۸	ابریشم (تار و پود و پرز) و گره نامتقارن	نیمه دوم قرن ۱۶
۷	۱۷.۱۲۰.۱۴۳	۱۸۴.۲×۲۰۱.۳	ابریشم (تاروپود و پرز) و گره نامتقارن	قرن ۱۷
۸	۱۴.۴۰.۷۲۴	۱۶۵.۱×۲۴۳.۸	ابریشم (تاروپود و پرز) و گره نامتقارن	قرن ۱۶
۹	۱۴.۴۰.۷۱۵	۲۶۸×۱۹۴.۳	ابریشم (تاروپود و پرز) و گره نامتقارن	نیمه دوم قرن ۱۶
۱۰	۴۳.۸۴	۲۲۱×۱۴۸.۶	ابریشم و بافت تاپستری	نیمه دوم قرن ۱۶
۱۱	۱۰.۱۶۶	۱۳۷.۷۳.۷×۲	ابریشم زربفت	نیمه دوم قرن ۱۶



تصویر ۱۵: ش ۵۸.۴۶



تصویر ۱۴: ش ۱۹۷۲.۲۶



تصویر ۱۶: ش ۳۸.۱۶۷



تصویر ۱۷: ش ۶۹.۹۷.۶

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063



تصویر ۱۹: ش ۱۴۰۷۲۱



تصویر ۱۸: ش ۱۰۱۶۶



تصویر ۲۱: ش ۱۴۰۷۲۴



تصویر ۲۰: ش ۱۷۰۱۲۰۱۴۳



تصویر ۲۲: ش ۱۴۰۷۱۵

۶. تحلیل و بررسی

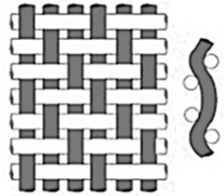
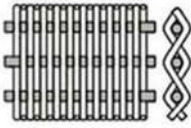
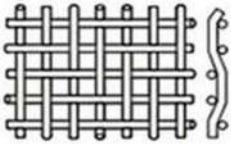
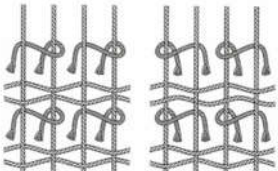
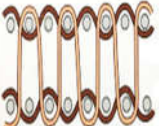
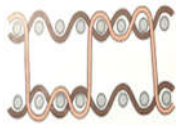

از بررسی ۱۳ نمونه منسوج از مؤسسه هنر شیکاگو و ۱۱ نمونه از موزه متروپولیتن نیویورک متعلق به شهر کاشان، می‌توان افزود دست‌بافته‌های مؤسسه هنر شیکاگو به‌صورت پارچه و منسوجات موزه متروپولیتن به‌صورت قالی و تعدادی از پارچه‌های ابریشمی است. قطعه پارچه‌های نفیس به‌صورت یراق و نوارهای تزئینی و در ابعادی کوچک و یک پرچم است.

پارچه‌ها بر روی دستگاه پارچه‌بافی و با فنی پیچیده‌تر از دارهای قالی بافته شده است. در این بافته‌های دستگاهی، تنوع رنگی و درخشندگی آن‌ها قابل توجه است. زری‌بافی و مخمل‌بافی به‌عنوان فرهنگ مردم کاشان از سنت‌های رایج تولید پارچه در این شهر است. کاربرد ابریشم در بافت این

نمونه‌ها به‌عنوان پایه و زمینه کار و استفاده از فلزات زرین و سیمین معمول و به‌صورت برجسته در سطح پارچه قرار گرفته‌اند. بافت به روش جناغی ساده یا مرکب است. در بافت جناغی ساده دو چله به‌عنوان تار استفاده می‌شود در برابر یک پود و از استحکام بالاتری برخوردار است. در بافت جناغی مرکب تارها از هر دو طرف پود می‌گذرند و تقریباً یک بافت دولایه خواهیم داشت که تراکم پارچه بالاتر است. فن بافت قالی که بر روی دار به‌صورت دو پوده (استفاده از یک پود ضخیم و یک پود نازک) در قالی وجود دارد و استفاده از گره غیرمقارن معمول بود. در جدول ۳ فن بافت پارچه و قالی مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۳: فن بافت منسوجات (نگارنده)

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

بافت مرکب جناغی		بافت ساده جناغی	
			
بافت گره نامتقارن در قالی		ابریشم‌بافی	
			

نگاره‌های به‌کاررفته در پارچه‌ها گیاهی، تکرارشونده و واگیره‌ای است و سبکی طبیعت‌گرایانه را نشان می‌دهد. آرایه‌های نباتی از محبوب‌ترین نگاره‌های بافته شده است. انواع درخت‌ها و درختان پرشکوفه - که مورد علاقه نگارگران تبریز هم بود - به‌صورت باریک و کشیده در طرح پارچه‌ها، به کار رفته است. «طرح برگ‌های کنگره‌های نوک‌تیز و استفاده از انواع گل‌ها در تکمیل زمینه کار، از ویژگی‌های مکتب نگارگری تبریز است. گاه نوشته و تصویر گیاهان یا شاخ و برگ‌های زیتنی برای تزئین پارچه استفاده می‌شد. خط در تزئین پارچه ابریشمی و زری با نوشته به خط نسخ و نستعلیق، از شیوه‌های متداول دوره صفویه است (برزین، ۱۳۴۶: ۴۴).

نقوش انسانی، گیاهی و جانوری در منسوجات مورد مطالعه به کار رفته‌اند و فراوانی کاربرد نقوش گیاهی در پارچه‌ها بیشتر است. در قالی نقوش گیاهی و حیوانی بیشتر مشاهده می‌شود. در جدول ۳ و ۴ نگاره‌های بافته‌شده در منسوجات نشان داده شده‌اند. کاربرد آیات قرآنی، دعا و نام بافنده به خط نستعلیق در پرچم بافته‌شده که در موزه متروپولیتین نگهداری می‌شود، قابل ملاحظه است. یک پرچم حکاکی‌شده مورخ ۱۱۰۷ هجری قمری (۱۶۹۵ میلادی) است که کتیبه اسماعیل کاشانی ایرانی بر روی آن حک شده است. دو کتیبه حاوی پیام حمایت و یاری الهی است و خداوند را به‌عنوان «بهترین محافظ» و «بازکننده درها» می‌ستایند. این پرچم تشریفاتی کمیاب ایرانی حاکی از حمایت و یاری الهی است که در نبرد و یا توسط مؤمنان در صفوف مذهبی حمل می‌شد. این بافته از نظر کاربرد متفاوت با دیگر پارچه‌هاست.

جدول ۴: نقش پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو (نگارنده)

10.222052/KASHAN.2023.248757.1063

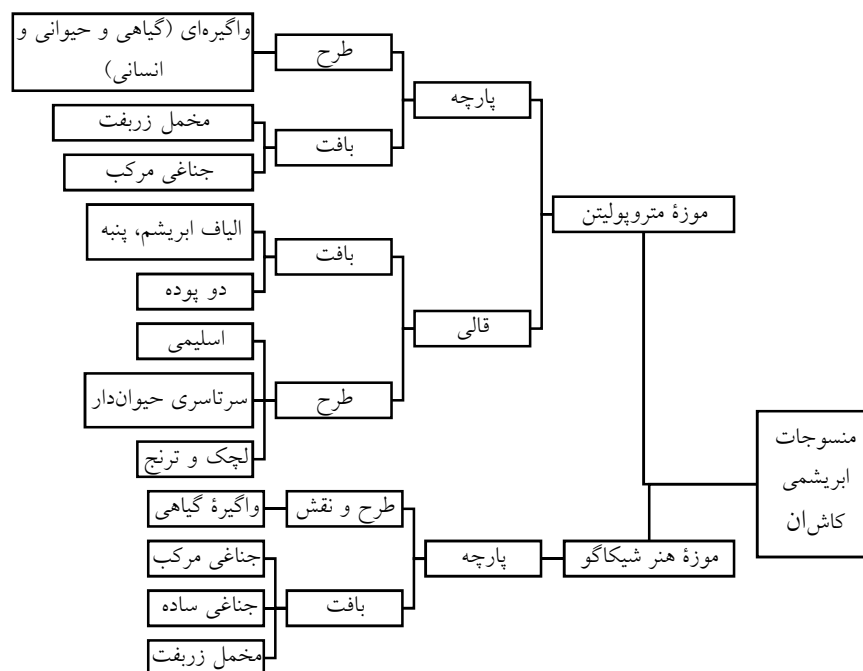
			
واگیره گیاهی		واگیره گیاهی	
			
واگیره گیاهی		واگیره گیاهی و حیوانی	
			
واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی
			
واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی

جدول ۵: نقش منسوجات موزه متروپولیتن (نگارنده)

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

<p>واگیره انسانی و گیاهی و حیوانی</p>	<p>واگیره گیاهی</p>	<p>واگیره گیاهی و حیوانی</p>
<p>نقشه ۱/۴، اسلیمی و ختایی</p>	<p>پرچم صفوی با کتیبه عمل العبد اسماعیل کاشانی</p>	
<p>۱/۴ نقشه لچک و ترنج</p>	<p>نقشه سرتاسری گرفت و گیر</p>	<p>۱/۴ لچک ترنج با نقوش گیاهی</p>
<p>۱/۴ ترنجی حیوان‌دار</p>		<p>۱/۴ نقشه لچک و ترنج</p>

در قالی‌ها اغلب اندازه‌ها کمتر از ۶ مترمربع است و در ساختار تعریف شده طراحی قالی ایران نقشه‌ها به صورت لچک و ترنج و با ترکیبی از نقوش اسلیمی، ختایی، و گرفت و گیر به صورت سرتاسری وجود دارد. به دلیل نوع کاربرد و ماهیت قالی که متفاوت با پارچه است ساختار بافت قالی دارای پرز بوده و غالباً برای کفپوش استفاده می‌شوند اما پارچه دارای ظرافت بافت بیشتری نسبت به قالی است. در قالی از الیاف ابریشم برای پرز و یا چله استفاده شده است. رنگ‌های به‌کاررفته در پارچه‌ها قهوه‌ای نارنجی، زرد، سبز، آبی، سورمه‌ای، گل‌بهی و صورتی، قرمز و بنفش با نخ‌های گلابتون و طلا و نقره است و ترکیب رنگی به‌کاررفته در هر قطعه پارچه یا به صورت دورنگ، سه‌رنگ و در نهایت پنج‌رنگ دیده می‌شود. در قالی طیف رنگ به‌کاررفته شامل قرمز، کرمی، قهوه‌ای، سورمه‌ای، فیلی، زرد، سبز و سفید است. مشخصات دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان در دو موزه متروپولیتن و مؤسسه هنر شیکاگو در شکل ۲۳ نشان داده شده است.



تصویر ۲۳: دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان در موزه متروپولیتن و موزه هنر شیکاگو (نگارنده)

۷. نتیجه‌گیری

تعداد زیادی از منسوجات ابریشمی کاشان در موزه‌های جهان نگهداری می‌شود که بیانگر بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی است. از مطالعه و بررسی نمونه منسوجات مؤسسه هنر شیکاگو و تعدادی از منسوجات موزه متروپولیتن که متعلق به کاشان است، می‌توان به ساختار هنرمندانه و تولیدات کاربردی ابریشم‌بافته‌های کاشان پی برد. مطالعه ۲۴ نمونه پارچه و قالی‌ها نشان می‌دهد که منسوجات مؤسسه هنر شیکاگو پارچه‌هایی است که مواد اولیه آن‌ها ابریشم بوده و به‌صورت مخمل، زری‌بافی و نقش‌برجسته تولید شده‌اند که این امر در مورد روش بافت پارچه‌های موزه متروپولیتن نیز صدق می‌کند. نگاره‌های بافته‌شده در پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو همگی گیاهی است و نگاره‌های کارشده در ابریشم‌بافته‌های موزه متروپولیتن گیاهی، انسانی و حیوانی است. در موزه متروپولیتن علاوه بر پارچه در بخش هنر اسلامی موزه، قالی‌های ایرانی وجود دارد که به‌صورت تمام‌ابریشم یا پرز و چله‌ابریشم و پود پنبه‌ای بافته شده‌اند و نقوش با خطوط منحنی و به فرم یک‌چهارم و سراسری است. فن بافت قالی به‌صورت دوپوده و با گره غیرمقارن و روش بافت پارچه‌های ابریشمی به‌صورت جناغی ساده و یا مرکب و با کاربرد نخ‌های گران‌بهای طلا و نقره بر زمینه ابریشم است.

نتایج پژوهش به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌هایی مانند دادرس و خسروی بیژانم (۱۳۹۴) که در ارتباط با قالی‌های ایرانی موزه متروپولیتن انجام شده است، مطابقت دارد. پیشنهاد می‌شود در ادامه این پژوهش به مطالعه دست‌بافته‌ها در دوره تاریخی در موزه‌های جهان، یا مطالعه تطبیقی منسوجات ایران با سایر کشورها پرداخته شود.

منابع

- ابن‌اثیر، علی بن محمد. (۱۳۷۴). *تاریخ کامل* (حسین روحانی، مترجم). تهران: اساطیر.
- استرکی، فهیمه، و نیازی، محسن. (۱۳۹۱). *شعربافی در کاشان* (تحلیلی بر فرایند تاریخی، فعالیت‌ها، مراحل و دست‌بافته‌های شعربافی). *کاشان‌شناسی* ۵ (۲، پیاپی ۹)، ۱۰۳-۸۰.
- اسکارچیا، جیان روبرتو. (۱۳۷۶). *تاریخ هنر ایران* (یعقوب آژند، مترجم). تهران: مولی.
- ای وولف، هانس. (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایرانی* (سیروس ابراهیم‌زاده، مترجم). بی‌جا: انتشارات و آموزش.
- برزین، پروین. (۱۳۴۶). *پارچه‌های قدیم ایران. هنر و مردم*، شماره ۵۹، ۴۴-۳۹.
- تاورنیه، ژان باپتیست. (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه* (ابوتراب نوری، مترجم). چ ۲. تهران: سنایی.
- ترهوهانیان، هونانس. (۱۳۷۹). *تاریخ جلفای نو* (محمدعلی لئون میناسیان و محمدعلی فریدنی موسوی، مترجم).



مترجمان). اصفهان: نقش خورشید.

توسلی، رضا. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی نقوش منسوجات صفوی و عثمانی. *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۸، ۱۰۶-۸۷.

جنسن، هورست ولدمار. (۱۳۵۹). تاریخ هنر: پژوهشی در هنرهای تجسمی از سپیده‌دم تاریخ تا زمان حاضر (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). *فرش کاشان*. تهران: سروش.

حمیدی‌منش، تقی، و جعفری دهکردی، ناهید. (۱۳۹۹). نقش شهریاران صفوی در پیشرفت صنعت پارچه‌های ابریشمین ایران. *هنرهای صنعتی*، ۳ (۱)، پیاپی ۴، ۱۱۹-۱۲۴. <https://doi.org/10.22052/3.1.109>

دادرس، سوده، و خسروی بیژانم، فرهاد. (۱۳۹۴). طبقه‌بندی فرمی قالی‌های ایرانی دوره صفوی در موزه متروپولیتن نیویورک. *همایش ملی فرش دستباف خراسان جنوبی*. دانشگاه بیرجند.

دیبا، لیلیا. (۱۳۹۱). پوشاک در ایران‌زمین. از سری مقالات *دانشنامه ایرانیکا* (پیمان متین، مترجم). تهران: امیرکبیر.

دیماند، موریس اسون. (۱۳۶۵). *راهنمای صنایع اسلامی* (عبدالله فریار، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ذکاء، یحیی. (۱۳۴۲). *جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان*. هنر و مردم، شماره ۲۶، ۱۶-۱۹.

رکنی، محمدامین، و یاشکوفسکی، ستانیسواف آدام. (۱۳۹۳). روابط ایران و لهستان در عهد صفویه. *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ۶ (۲)، ۷۹-۹۸. <https://doi.org/10.22059/jhss.2015.5661.98-79>

روح‌فر، زهره. (۱۳۸۴). *نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی*. تهران: سمت.

شاردن، ژان. (۱۳۵۰). *سیاحت‌نامه شاردن* (محمد عباسی، مترجم). تهران: امیرکبیر.

_____. (۱۳۷۵). *سیاحت‌نامه شاردن* (اقبال نعیمایی، مترجم). تهران: توس.

طالب‌پور، فریده. (۱۳۹۷). پارچه‌بافی در عصر صفوی: از منظر تاریخی، سبک‌ها و کارکردها، مبانی نظری. *هنرهای تجسمی*، شماره ۶، ۱۲۳-۱۳۴.

طباطبایی، جواد. (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*. تهران: نگاه معاصر.

فریه، دلبور. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران* (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: فرزانه.

فلاحیان وادقانی، علی، و حیدری، حسین. (۱۳۹۸). اوضاع یهودیان کاشان در روزگار افشاریه و زندیه. *کاشان‌شناسی*، شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)، ۱۶۵-۱۸۴. <https://doi.org/10.22052/1.14.165>

فلور، ویلهلم. (۱۳۶۸). *حکومت نادرشاه* (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.

گراتوفسکی، ادوین آردیدوویچ. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران: از زمان باستان تا امروز* (کیخسرو کشاورزی، مترجم). تهران: مروارید.

محمدحسن، زکی. (۱۳۶۶). *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام* (محمدعلی خلیلی، مترجم). تهران: اقبال.
 مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا*
آخر ناصرالدین‌شاه). تهران: زوار.

مک داوول، ج. الگرو. (۱۳۷۴). *نساجی، درباره هنرهای ایران* (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: فرزاد.
 ورهرام، غلامرضا. (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران عصر زند*. تهران: معین.

Spuhler, F. (1978). *Islamic carpet and textile in the Keir collection*. London: Faber and Faber limite.

References

- A wolff, h. (1993). *Ancient handicrafts of iran* (Syros Ebrahimzadeh, Translator). Bija: Publishers Amozesh. [In Persian].
- Berzin, P. (1976). Old Fabrics of Iran. *Art and People*. No. 59, pp. 39-44. [In Persian].
- Chardin, J. (1971). *Chardon's travel book* (Mohammad Abbasi, Translator). Tehran: Amir kabir. [In Persian].
- (1980). *Chardon's travel book* (Iqbal Naimai, Translator). Tehran: Tos. [In Persian].
- Chitsazian, A.H.. (2008). *Kashan carpet*. Tehran: Soroush. [In Persian].
- Daders, S. & Khosravi Bejaim, F. (2014). Formal classification of Safavid Persian carpets in the Metropolitan Museum of New York. *South Khorasan Handwoven Carpet National Conference*. Birjand University. [In Persian].
- Diba, Leila. (2011). Clothing in Iran. *From the series of Iranica encyclopedia articles* (Peyman Mateen, Translator). Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Dimand, M. S. (2015). *Guide to Islamic industries* (Abdullah Faryar, Translator). Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian].
- Falahian Vadaghani, A. & Heydari, H. (2018). The situation of Kashan Jews during Afsharia and Zandiyeh. *Kashan Studies*, No. 14; pp. 165-184. <https://doi.org/10.22052/1.14.165>. [In Persian].
- Freyeh, W.R. (2014). *Arts of Iran. Translated by Parviz Marzban*. Tehran: Farzan. [In Persian].
- Grantovsky, E. A. (2016). *History of Iran: from ancient times to today*. Translator Ki Khosro Agriculture. Tehran: Pearl. [In Persian].
- Hamidi Manesh, T. & Jafari Dehkordi, N. (2019). The role of Safavid princes in the development of Iran's silk fabric industry. *Artificial arts*, 3 (4), pp. 119-124. <https://doi.org/10.22052/3.1.109>. [In Persian].
- Ibn Athir, A. (2014). *Tarikhe Kamel* (Hossein Rouhani, Translator). Tehran: Asatir. [In Persian].
- Jensen, H. V. (1900). *History of art: a research in visual arts from the dawn of history to the present* (Parviz Marzban, Translator). Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian].



- McDowell, J. Allegro. (2014). *Nasaji, about the arts of Iran, under the supervision of R. W. Freyeh* (Parviz Marzban, Translator). Tehran: Farzan. [In Persian].
- Mohammad Hassan, Z. (1896). *History of Iran's industries after Islam* (Mohammad Ali Khalili, Translator). Tehran: Iqbal. [In Persian].
- Mostovfi, A. (1998). *Narration of my life (social and administrative history of the Qajar era from Agha Muhammad Khan to the end of Naser al-Din Shah)*. Tehran: Zovar. [In Persian].
- Rokni, M. A. & Yashkovski, S. A. (2013). Relations between Iran and Poland during the Safavid period. *Researches of historical sciences*, 6 (2), pp. 79-98. <https://doi.org/10.22059/jhss.2015.5661>. [In Persian].
- Rooh Far, Z. (2004). *A look at textile weaving in the Islamic era*. Tehran: Side. [In Persian].
- Scarchia, Gian Roberto. (2017). *Iranian art history*. C10 Yaqub Agenda. Tehran: Molly. [In Persian].
- Spuhler, F. (1978). *Islamic carpet and textile in the Keir collection*. London: Faber and Faber limite.
- Starki, F. & Niazi, M. (2011). Poetry Weaving in Kashan (an analysis of the historical process, activities; stages and handicrafts of poetry weaving. *Kashan Science*, 5 (2) (9 consecutive), pp. 80-103. [In Persian].
- Tabatabayi, J. (2012). *An introduction to the theory of Iran's decline*. Tehran: Contemporary view. [In Persian].
- Talebpour, F. (2017). Textile weaving in the Safavid era: from a historical perspective, styles and functions, theoretical foundations. *Visual arts*, No. 6, pp. 123-134. [In Persian].
- Tavassoli, R. (2008). A Comparative Review of Safavid and Ottoman Textile Patterns. *Islamic Art Studies*, No. 8, pp. 87-106. [In Persian].
- Tavernier, J. B. (1967). *Tavernier's travelogue* (Abu Tarab Nouri, Translator). Edited by Shirvani. Second edition. Tehran: Sanai. [In Persian].
- Ter Hohanian, H. (2018). *The history of New Jolfa* (Mohammad Ali Leon Minassian & Mohammad Ali Faridni Mousavi, Translators). Isfahan: Naqsh Khurshid. [In Persian].
- Warharram, A. (2016). *Political and social history of Iran during Zand era*. Tehran: Moin. [In Persian].
- Wilhelm, F. (1989). *Government of nader shah* (Abulqasim sari, Translator). Tehran: Tos. [In Persian].
- Zaka, Y. (1992). Persian clothes in the Achaemenid perio. *Art and People*, No. 26, pp. 16-19. [In Persian].



Investigating Kashan Woven Silks at Art Institute of Chicago and Metropolitan Museum of Art

Shahdokht Rahimpour

MA, Lecturer at Faculty of Art, University of Arak, Arak, Iran

S-rahimpour@araku.ac.ir

Received: 31/12/2022

Accepted: 09/05/2023

Introduction

The woven silk of Kashan is a part of the identity of Iranian exquisite handmade artifacts. The prosperity of these products dates back to the Safavid era and the development of textile and carpet weaving workshops. Kashan, with its ancient silk civilization, weavers, and geographical position, plays an important role in the textile trades. The ability of Kashani weavers to weave textiles and produce delicate silk carpets is a tangible heritage of culture and art. Investigation of the silk fabrics of Art Institute of Chicago and of Iranian textiles in Metropolitan Museum shows abundant Kashan silk handwoven products. Cheap substitute products and expensive raw materials for weaving silk textiles led to the recession of the traditional silk-weaving culture. To solve this problem, identifying weaving techniques and the fabrics produced in the past will emphasize the importance of indigenous knowledge of woven carpets. The aim of the present research was to study the characteristics of Kashan's silk fabrics at Art Institute of Chicago and at the Metropolitan Museum.

Materials and Methods

In Art Institute of Chicago, there is a collection of donated silk fabrics and silk Zari weavings, which comprise nearly half of the Iranian silk fabrics woven in Kashan. Metropolitan Museum also houses hand-woven silk textiles in the form of carpets and fabrics from Kashan, which is noteworthy. Therefore, to identify and



examine the characteristics of Kashan silk textiles through the samples available in Chicago Art Institute's website and Metropolitan Museum of Art, the research seeks to address the following two questions: a) What are the characteristics of Kashan silk textile patterns in Art Institute of Chicago and Metropolitan Museum of Art? b) What are the structural features of silk textiles belonging to Chicago Art Institute and Metropolitan Museum of Art? Twenty-four silk textile samples from Kashan were examined. The research data was collected through the library study and digital sources. The method deployed in this study is a descriptive-analytical one.

Results and Findings

In Art Institute of Chicago, there are twelve pieces of silk or zari cloth known as Kashan. These remaining pieces that were donated to the institute are kept in Islamic Art Department and in Textile Department of the Art Institute of Chicago. In Metropolitan Museum of New York, which includes a treasure of Iranian handwovens, there are Kashan carpets and some fabrics. The textiles in Art Institute of Chicago are made of silk as their primary material and have been produced in velvet, Zari weaving, and embossed patterns. This is also true for the weaving method of fabrics in Metropolitan Museum. The woven designs in the fabrics of the Art Institute of Chicago are all botanical, while the worked designs in the silk weavings of Metropolitan Museum include botanical, human, and animal motifs. In addition to fabrics, Metropolitan Museum houses Iranian carpets in the Islamic Art section. These carpets are woven entirely of silk or have silk pile and cotton weft with curved line patterns in a quarter and overall form. The carpet weaving technique is double-knotted and uses asymmetrical knots; the method of weaving silk threads is either simple or compound diagonal weaving with the use of expensive gold and black threads on a silk background.

Conclusion

The study on twenty-four samples of Kashan's silk textiles showed that the woven textiles of Art Institute of Chicago are made of silk, gold, and silver. *Vagireh designs, affected by nature, were also applied. The silk textiles of Metropolitan Museum contained carpet and cloth. These carpets were up to 6 m² in area with Animal Combat, Corner, and Medallion design belonging to the Safavid period. The fabric patterns were woven in human, animal, and plant forms with silk threads. Various designs and weaving techniques were found in the textiles as a model for the survival of Kashan handwoven products. The research findings were consistent with the results of other studies such as Khosravi, Bezhayam, and Dadras (2015), conducted on Iranian carpets in Metropolitan Museum. It is suggested to continue this research by studying hand-woven textiles in historical*



10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

periods in museums worldwide or conducting comparative studies of Iranian textiles with those of other countries.

Keywords: silk and brocade fabrics, carpet, Art Institute of Chicago, Metropolitan Museum.